

# هیپنوزبان ، کلاهربرداری یا انقلابی در تدریس؟

گفت‌وگو به عنوان زبان آموز بابر گزار کننده یکی از این دوره‌ها و پاسخی به این سوال که روش‌های غیر مر سوم آموزش‌ش زبان دوم چقدر علمی و قابل اعتماد هستند؟

الیه توانا | روزنامه نگار



«شش ماهه انگلیسی را روان صحبت کنید»، «آموزش زبان در خواب»، «آموزش زبان انگلیسی به شیوه زبان مادری» و حالا هم «آموزش زبان یا هیپنوتیزم». اگر دغدغه یاد گرفتن زبان دوم داشته باشید، با کمی پرس و جو و جست‌وجو در اینترنت خواهید دید که اپرو بادو مهو خورشید و حتی فلک سخت در تلاش‌اند تا ز حمت زبان‌آموزی را از دوش شما بردارند. شیوه‌های مخبر العقول آموزش، همگی مدعی هستند که «بهترین» و «سریع‌ترین»‌اند. به تازگی یک دوره آموزش‌ش زبان انگلیسی با هیپنوتیزم در فضای مجازی تبلیغ می‌شود که ادعای کند برای اولین بار در ایران به چنین ادعای دست می‌زند. به این بهانه در پرونده پیش‌رو به یرویم یادگیری زبان دوم پرداخته‌ایم. آیا می‌شود با هیپنوتیزم یا روش‌های غیر آکادمیک دیگری، زبان یاد گرفت؟ چرا با این که می‌دانیم موختن زبان دوم مثل هر مهارت دیگری به تمرین و زمان نیاز دارد، از شیوه‌های غیر مر سوم آموزش استقبال می‌کنیم؟ نقش آموزش و پرورش در اقبال ما به زبان‌آموزی‌های سریع و پر پول شدن جیب کاسبان این نوع آموزش‌ها چیست؟ در پرونده امروز زندگی سلام، معاون آموزش دانشگاه فر دوسی مشهد به این سوالات پاسخ می‌دهد و به عنوان یک زبان‌آموز بابر گزار کننده یکی از این دوره‌ها، ارتباط برقرار کردیم که خواهید خواند.

## یادگیری تضمینی ۲ ماهه زبان با ۲ میلیون تومان!

خودم را زبان آموز معرفی می‌کنم و توضیح می‌دهم که سطح زبانی‌ام مبتدی است اما مسئول ثبت‌نام فقط به چند سوالم پاسخ می‌دهد

نام: سید علی حسینی
شماره تماس: ۰۹۱۲۳۴۵۶۷۸۹
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰

من چهار سال کلاس زبان انگلیسی می‌رفتم. نرسر به‌هوا و بازگوش بودم نه به گواه معلم‌ها یم، بی‌استعداد. یاد گرفتن و مشخصا یاد گرفتن زبان را دوست داشتم ولی هیچ وقت «کاملا» مسلط به انگلیسی نشدم چون دیر شروع کرده بودم، در محیط غیرفارسی زبان قرار نداشتیم و انگلیسی جز در کلاس به کار نمی‌آمد. دوره آموزشی که بهانه نوشتن این پرونده شد، وعده می‌دهد که در دوماه با پرداختن حدود دو میلیون تومان می‌توانید انگلیسی صحبت کنید. زبان خواندن در موسسات، زمان و هزینه‌ای به مراتب بیشتر لازم دارد و کلاس‌های خصوصی فشرده هم کارتان را دوماه و با دو میلیون راه نمی‌اندازند. بنابراین درک می‌کنم که تبلیغات آموزش زبان در زمان کوتاه، عده‌ای را تحت تأثیر قرار بدهد. با یکی از این تبلیغات هیپنوزبان تماس می‌گیرم تا بفهمم جز توان تأثیر گذاری، چه قابلیت دیگری دارند. خودم را زبان آموز معرفی می‌کنم و توضیح می‌دهم که سطح زبانی‌ام مبتدی است اما فقط به چند سوالم پاسخ می‌دهد و می‌گوید، پاسخ بقیه سوالات‌تان بعد از حضور تان در جلسه اول.

این دوره تضمین شده است؟

بله، اگر مرتب سر کلاس حضور داشته باشید و تمرینات زبان و هیپنوتیزم را انجام بدهید، بعد از دو ماه کاملاً مسلط می‌شوید. شما باید در دوره (Essential) ثبت‌نام کنید. همه شرکت کنندگان این دوره، زبان را فقط در حد مدرسه بلدند.

(تکته: از ادعاهای عجیب «دوماه» و «کاملاً مسلط» که بگذریم، هیچ نشانه‌ای مبنی بر تردید وجود ندارد. شما با هر سن و سال و انگیزه و بهره‌وشی در این شیوه زبان انگلیسی را یاد خواهید گرفت. هیچ مدرسی، چنین ادعای گزافی نمی‌کند چون با انسان سرو کار دارد نه ماشین و هیچ تضمینی در آموزش، ممکن و معقول نیست.)

روی لهجه هم کار می‌شود؟

می‌توانید یک جلسه سر کلاس حضور داشته باشید و اگر راضی نبودید، انصراف بدهید.

(تکته: مدرس این دوره فردی است که خودش را پایه‌گذار روان‌شناسی نوین معرفی می‌کند. در صفحه شخصی او با ۲۰ هزار دنبال کننده تعدادی ویدئو از شرکت کنند‌های دوره‌های قبلی وجود دارد که تعدادی جمله ساده و به نظر از پیش تعیین شده را و به دور بین می‌گویند. اگر ما حاصل این دوره، رسیدن به چنین سطحی است، باید ر به کار بردن واژه «مسلط» تجدیدنظر شود ضمن این که معلوم نیست این حد از یادگیری زبان، به چه کاری خواهد آمد اما دست کم معلوم است چرا مسئول ثبت‌نام از دادن جواب طفره رفت.)

استفاده از هیپنوتیزم چطور خواهد بود؟

در پایان هر جلسه، هیپنوتیزم می‌شوید که سرعت یادگیری و زمان ماندگاری آموزه‌های‌تان بیشتر شود.

آقای دکتر سابقه ۴۰ ساله اش را خراب نمی‌کند!

در باره چند و چون آموزش زبان یا هیپنوتیزم در ادامه پرونده خواهید خواند. علی الحساب آشنایی با مدرس دوره که رزومه بلندبالایی هم برای خودش دست و پا کرده است، کمک می‌کند منظور او از هیپنوتیزم و فاصله اش را با کاربرد علمی این روش بفهمیم. تعدادی از وعده‌های ایشان در دوره‌های آموزشی‌اش را بخوانید؛ «تقویت نیروی حیاتی، بیدار سازی و پاک سازی نیروی چی، پرانرژی و خستگی ناپذیر بودن، ایجاد لایه محافظ برای هاله شخصی». شباهت این ادعاها با کار طالع بین‌ها و انرژی در مانگرها، قابل تأمل است. در ادامه مکالمه پرسیدم چه تضمینی وجود دارد که در این دوره‌ها از شرکت کنند‌ها به هیچ نحوی سوء استفاده نشود؟ روان‌شناس‌ها و کسانی که به در مانگر مراجعه کرده‌اند، می‌دانند مقوله «اخلاق» در هر حوزه‌ای که با روان سرو کار دارد، چقدر جدی و مهم است. جواب شنیدم «آقای دکتر سابقه ۴۰ ساله اش را خراب نمی‌کند». سوال بعدی که جوایش را مسئول ثبت‌نام نمی‌دانست و به همین دلیل از ش نپرسیدم، این بود؛ چرا چنین فردی که به وضوح ارتباطی با علم روان‌شناسی ندارد، ۴۰ سال در این حوزه فعالیت کرده است؟

بهمن شهری | پژوهشگر زبان، آموزش و فرهنگ در دانشگاه وهايو

باورهای غلط در باره هر چیزی فراوان است اما مشکل وقتی به وجود می‌آید که تصورات غلط به هر دلیلی رایج می‌شوند. آن‌جاست که ممکن است یک پندار نادرست اما متداول، جلوی پیشرفت فردی و اجتماعی را بگیرد و حتی تهدیدی برای آموزش و سلامت فرد یا جامعه باشد. زبان آموزی هم از این باورهای نصبی نمانده است. در ادامه، پنج باور نادرست و مشهور زبان‌آموزی را مرور می‌کنیم.

یادگیری دستور زبان، خیلی مهم است

قوانین دستور زبان برای تسهیل فراگیری زبان مفید است اما یادگیری مستقیم دستور زبان اصلاً ضروری نیست.

دستور زبان راهی است برای توصیف این که زبان چگونه کار می‌کند. به طور مثال، اگر فعل مضارع و قوانین مربوط به آن را ندانیم، دلیل نمی‌شود که بتوانیم به یک زبان دیگر سخن بگوییم. بسیاری از مدارس آموزش زبان انگلیسی در سراسر جهان، آموزش مستقیم دستور زبان را از دهه ۷۰ میلادی

## باید به اعتبار این دوره‌ها شک کرد

آشنایی با چگونگی یادگیری زبان دوم از دیدگاه عضو هیئت علمی دانشگاه و نظرش در باره روش‌های غیر مر سوم یادگیری زبان از منظر علمی

دکتر «رضا پیش‌قدم»، استاد آموزش زبان و معاون آموزشی دانشگاه فر دوسی مشهد با تخصص روان‌شناسی اجتماعی زبان، در ادامه توضیح می‌دهد که آیا از منظر علمی یادگیری زبان به شیوه‌هایی غیر مر سوم‌ی مانند هیپنوزبان ممکن است یا خیر؟



نظر شما در باره آموزش زبان به روش‌های غیر مر سوم چیست؟

زبان‌آموزی، یک مهارت و یک تجربه است؛ یعنی شما باید در شرایط گوناگون قرار بگیرید و واژگان و ساختارها را به صورت هدفمند به کار ببرید. صرف یاد گرفتن تعدادی واژگان یا جملات، زبان‌آموزی به شمار نمی‌رود. از سوی دیگر، یادگیری نسبی است. به عنوان نمونه، شما می‌توانید تعدادی واژگان یا مکالماتی که برای خرید یا سفر لازم است، یاد بگیرید. هنگامی که فردی ادعای می‌کند زبان را در مدت زمان شش ماه به شما یاد می‌دهد، باید پرسید این آموزش در چه سطحی و برای چه مهارت‌هایی اتفاق می‌افتد؟ در زبان واژه، دستور، تلفظ و چهار مهارت اصلی خواندن، نوشتن، شنیدن و صحبت کردن داریم. آیا همه مهارت‌های زبانی در مدت زمان کوتاه، آموزش یا ارتقا داده می‌شود؟ خیر. زبان، عموماً در زمان اتفاق می‌افتد. همانند کارورزی و دست‌ورزی، من گاهی از واژه «زبان‌ورزی» استفاده می‌کنم؛ یعنی زبان باید برای آموخته شدن روز داده شود. تجربه صحبت کردن، خواندن و شنیدن در محیط‌های طبیعی—حتی در حد محیط کلاس—زبان را ورز می‌دهد. از این منظر، زبان نه تنها یک مهارت است بلکه بیشتر یک فرایند شناختی شبیه رانندگی است که هم می‌تواند به آن شبیه باشد و هم می‌تواند با آن تفاوت‌هایی داشته باشد؛ شباهت از این حیث که شما برای راننده شدن باید تمرین کنید، بارها خطاهایی در پارک کردن و غیره اتفاق بیفتد تا رانندگی را یاد بگیرید. در حین یادگیری زبان هم بارها خطاهایی رخ می‌دهد تا تمرین کم کم مفید واقع شود و با آن خطاها فرد زبان را یاد بگیرد. برای همه ما اتفاق افتاده است هنگامی که مدتی از زبان فاصله می‌گیریم، ممکن است حتی ساده‌ترین واژگان را هم فراموش کنیم. ممکن است دلیش این باشد که مغز، هنگامی که برای یک موضوع کار بردی پیدا نکند، به گونه‌ای هوشمندانه آن را به لایه‌های زیرین خود می‌فرستد. به این فرایند «فراموشی نظام‌مند» گفته می‌شود؛ اما در باره رانندگی این گونه نیست. فردی ممکن است پس از مدت‌ها رانندگی کند و با آن که مدت زمان زیادی از تجربه رانندگی پیشین اش سپری شده است اما به سرعت آموخته‌هایش را بازیابی کند.

به طور مشخص در باره شیوه «هیپنوزبان» چه عقیده‌ای دارید؟

از گذشته تا کنون شیوه‌های گوناگون آموزش زبان وجود داشته که هریک از آن‌ها بر این ادعا بوده است که بهترین شیوه زبان‌آموزی محسوب می‌شود. اوج رونق این شیوه‌ها را می‌توان در دهه ۷۰ میلادی مشاهده کرد. در آن زمان، فردی به نام «جورجی لوزانف» روشی به نام «Suggestopedia» ابداع کرده بود که در زبان فارسی تلقین پذیری تر جمه شده است. اساس این روش، «ریلکسیشن» بود. از آن جایی که به نظر می‌رسد یکی از موانع یادگیری در بزرگ سالان، خجالت و ترس از اشتباه باشد، لوزانف بر این اعتقاد بود که چنان چه این موانع بر داشته شود، یادگیری تسهیل می‌شود و برای این منظور، ریلکسیشن با موسیقی را پیشنهاد کرد. یادگیری در خواب و استفاده از هیپنوتیزم برای آموزش زبان هم در همان دوران مورد استفاده و متداول بود. این روش‌ها مغز را باز می‌کنند اما الزاماً تضمینی برای یادگیری مؤثر نیست. آن‌ها را می‌توان به تفاوت میان معلم خوب و معلم متوسط تعبیر کرد. آیا می‌توان ادعا کرد معلمی که خیلی خوب تدریس می‌کند، همه مفاهیم را در ذهن دانش‌آموز می‌گنجاند؟ البته که پاسخ منفی است و فرایند یادگیری بر عهده فرد یادگیرنده هم هست. باید توجه داشت که شیوه‌های گوناگون از جمله ریلکسیشن و هیپنوتیزم شاید از منظر آرام کردن فرد و کاهش استرس او، مفید واقع شوند اما ربط چندانی زیادی به زبان‌آموزی ندارند و برای این که فرایند یادگیری مؤثر اتفاق افتد، تجربه واقعی در بافت زبانی لازم است. به عبارت دیگر، باید لیوان از دست شما بیفتد، سپس به این فکر کنید که برای عذرخواهی یا دستمال خواستن به انگلیسی، چه جمله‌ای باید بیان کنید. در روش هیپنوتیزم، بافت‌های زبانی ایجاد نمی‌شود. در نهایت تعدادی واژه و جمله آموخته می‌شود که حالتی مصنوعی از زبان‌آموزی است. در ایران روش‌های مصنوعی دیگری همانند رمزگذاری‌ها هم باب شده است. برای نمونه، مدرس برای یاد دادن واژه (bachelor) به معنی «مجرد» به زبان آموز، چنین رمزی تعیین می‌کند: این کلمه در فارسی، چه واژه‌ای را به یاد تو می‌آورد؟ «بچه!» خب بچه که از دواج نمی‌کند پس این واژه یعنی مجرد. زبان‌آموز در این شیوه‌ها، کلمات را یاد می‌گیرد ولی این یادگیری به صورت غیر فعال است. واژه‌های غیر فعال به کلماتی گفته می‌شود که فرد آن‌ها را شنیده است و معنی‌شان را می‌داند اما هیچ‌گاه از این واژگان استفاده نمی‌کند و پرواضح است که به حافظه سپردن چیزی که فرد نتواند آن را به کار ببرد، زبان‌آموزی کامل محسوب نمی‌شود. به خاطر داشته باشید زبان‌آموزی بیشتر هیجانه‌محور است. هیجانه‌

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

پنج شنبه • ۱۵ آبان ۱۳۹۹

۱۹ ربیع الاول ۱۴۴۲ • ۵ نوامبر ۲۰۲۰

شماره ۳۰۵۱۵

۱۷۳۵



زبان‌آموزی یک مهارت است و مثل هر

مهارت دیگری به وقت و تلاش کافی در طول سالیان متمادی نیاز دارد و همچنین نیازمند روش است. هر قدر بیشتر تمرین کنیم و خودمان را در شرایط متفاوت قرار دهیم، مهارت زبان‌آموزی در ما تقویت می‌شود.

باور درست: زبان‌آموزی مهارتی زمان‌بر و چالش‌برانگیز است.

لهجه خیلی مهم است

آن‌چه در فهم یک زبان دیگر مهم است، تلفظ صحیح عبارات و جملات است نه این که آن‌ها را به چه لهجه‌ای ادا می‌کنیم. داشتن لهجه در زبان جدید هیچ اشکالی ندارد بلکه حتی ممکن است به عنوان هنجار هویت گویشور، تنوع تازه‌ای به زبان مقصد ببخشد. آزمون‌های بین‌المللی زبان هم دستورالعملی برای ارزیابی لهجه ندارند.

فیلم دیدن برای یادگیری زبان کافی است

ویدئو فقط یکی از منابع موجود برای یادگیری زبان است. یک زبان را نمی‌توان فقط با دیدن فیلم آموخت. زبان‌آموز محتاج ابزارها و شرایط مختلفی است تا مهارت‌های متفاوت زبانی یعنی صحبت کردن، خواندن، نوشتن و شنیدن به زبان دیگر را تجربه کند، یاد بگیرد و تولید کند. منابع تصویری به ویژه ویدئوهای آموزشی یکی از ابزارهایی است که می‌تواند به تقویت مهارت‌های شنیداری و تلفظ زبان‌آموز یاری برساند اما به تنهایی نمی‌تواند همه نیازهای یک زبان‌آموز را برطرف کند.

باور درست: تنها با فیلم نگاه کردن نمی‌توان همه مهارت‌های زبانی را فرا گرفت.

ترکیب هیجان و بسامد است؛ به این معنی که یادگیری زبان باید هیجان داشته و بسامد استفاده از ساختارها و واژگان زبانی بالا باشد. سؤال این است که روش‌های مصنوعی به چه میزان هیجان و بسامد زبانی را در فراگیران تولید می‌کنند؟

یکی از ادعاهای مدرسان هیپنوزبان این است که می‌توانند زبان دوم را مانند زبان مادری آموزش بدهند.

پرواضح است که منظور از این ادعا یاد گرفتن در صدی از زبان است. باید به این مهم توجه داشت که «فراگیری» زبان با «یادگیری» آن متفاوت است. فراگیری زبان در کودکی و به صورت ناخودآگاه اتفاق می‌افتد. در واقع، فراگیری زبان اول در کودکی، تقریباً شبیه راه رفتن است. کودک در دوره‌های رشدی مشخص، همان‌طور که مهارتی مانند راه رفتن را می‌آموزد، در مراحل مختلف اکتساب زبان را هم طی می‌کند؛ اول از صداها تقلید می‌کند، سپس واژه می‌سازد و به مرور جملات را به کار می‌برد. هنگامی که فرد از سن بلوغ عبور می‌کند، «یادگیری» زبان مطرح می‌شود نه فراگیری. همیشه یکی از آرزوهای متخصصان زبان این بوده است که یادگیری زبان در بزرگ‌سالی را به فراگیری تبدیل کنند. آیا موفق بوده‌اند؟ من امروز به عنوان یک متخصص آموزش زبان، عرض می‌کنم خیر. آن‌ها تا حدی توانسته‌اند شرایطی مشابه دوران کودکی ایجاد کنند اما کاملاً موفق نبوده‌اند چون مغز در بزرگ‌سالی، همان مغز زمان کودکی نیست. **پس تا کید این آموزش‌ها بر ضمیر نا هوشیار هم فاقد اعتبار است.** مغز باید در فرایند یادگیری فعال باشد و در حالتی قرار بگیرد که امکان پردازش داشته باشد. ما می‌دانیم که خواب، به یادگیری کمک می‌کند ولی این گفته به آن معنا نیست که فرد بخواهد و موضوعی را یاد بگیرد. در واقع آموخته‌های فرد در زمان هوشیاری، در خواب سامان می‌یابند. در این روش‌ها بیشتر از آن که فایده‌ای حقیقی حاصل شود، حال افراد خوب می‌شود؛ زیرا بر خلاف شیوه‌های مر سوم آموزش زبان، آن‌ها می‌توانند در مدت زمان کوتاهی تعدادی جمله به کار ببرند. برای بهبود عملکرد یادگیری زبان دوم، روش‌های مختلفی وجود دارد. دقت کنید، می‌گویم بهبود عملکرد و نه اعجاز؛ اما تحقیقات نشان داده است که هیچ‌یک از این روش‌ها تأثیر قطعی ندارند بلکه می‌توانند میزان از موفقیت را به همراه بیاورند. پس هنگامی که صحبت از آموزش زبان در دوماه، سه‌ماهه و شش‌ماه می‌شود، باید به اعتبار آن دوره آموزش شک کرد.

**به نظر شما دلایل استقبال از شیوه‌هایی مثل هیپنوزبان چیست؟** پس از دوران بلوغ، «نوروپلاستیسیتی» یا انعطاف‌پذیری عصبی در مغز کاهش می‌یابد و این موضوع یادگیری زبان را دشوار می‌کند. بنابراین، افراد برای جبران تأثیر سن، باید تلاش مضاعفی انجام دهند و شیوه‌های مختلف آموزش‌ش زبان، وعده می‌دهند که نیازی به این تلاش مضاعف نیست.